



۲۰۲۰/۱۱/۰۹

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## فاجعه پوهنتون، ماتمسرای کابل!!!

\*\*\*\* \*\*

مطالعه مضمون اندوهبار جناب «بصیر کاکر»، در پورتال عزیز «آریانا افغانستان آنلاین»، مرا به یاد منظومه ای انداخت که سال ها قبل در جنگ های تنظیمی زیر عنوان «ماتمسرای کابل» سروده و انتشار یافته بود. از آنجا که وضع رقتبار وطن، خونین تر و طاقت فرسا تر گردیده است و طرف های ذیدخل همدیگر را با کلمات فریب داده، اما در عمل، جان های بی گناهان و نو نهالان، چه ملکی و چه نظامی را می گیرند و جامعه را سوگوار می سازند.

فاجعه خونین پوهنتون کابل که دولت ضعیف البنیه آنرا ماتم ملی اعلان کرد و به دلخوشی خود و اغوای مردم بیرق ها را نیمه افراشته ساخت، یکی از همان فجایع نا بخشودنی و ماتم خونین ملی برای همه افغانان، در سراسر جهان می باشد. ما باید در کنار مادران، پدران، خواهران و برادران داغ دیده که نونهالان برومند و آرزومند خود را از دست داده اند اشک بریزیم و با اشتراک در سوگواری خانواده ها خون گریه کنیم. من از ارواح پاک جوانان از دست رفته و خانواده های داغ دیده، معذرت می خواهم که با کلمات تکراری و کلیشه ای درد درمان ناپذیر خود و مردم بلا کشیده وطن را بیان می کنم

کابل بساط ذلت بیرون ز باور است

کابل به خون تازه جوانان شناور است

کابل مقام وحشت دیوانگان عصر

کابل دیار جنگ و جدال مکرر است

کابل ز دست دوزخیان فریب کار

یک پاره آتش به جهنم برابر است

کابل چو شمع سوخته خوابیده روی اشک  
کابل سپند ریخته در روی مجمر است  
کابل به آتش ستم قرن، شعله ور  
کابل بخون خویش غریق و شناور است  
کابل به زیر سُم ستوران روزگار  
خاکستری فتاده به توفان محشر است  
«صائب» که خوانده بودش، عشرتسرا، کنون  
ماتمسراست، بلکه از آن نیز بدتر است  
مردم عذاب روز قیامت همی کشند  
اهریمنی بهر در و برزن مقرر است  
دزدان قرن، ملک به تاراج برده اند  
این شهر را ببین که نه دروازه، نه در است  
آن یک به کشت و خون ضعیفان پلنگ وار  
این یک به قتل عام، شجیع و دلاور است  
مینایی آسمان کبودش خدای من  
از دود بمب و راکت و مرمی مکدر است  
در ملک ما «اسیر» زبس پا و سر نماند  
مارا بگو چسان غم پا و سر و بر است

م. نسیم «اسیر» ۱۲ اگست ۹۳م، بن المان



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک نمائید.](#)